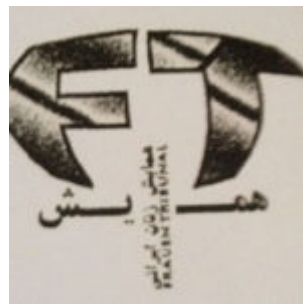


نیم نگاهی به سمینار سراسری سالانه‌ی تشکلهای مستقل زنان و زنان دگر و هم جنس گرای ایرا نی

در آلمان - هانوفر ۲۰۱۸



برگرفته از نشریه زنان، گاه‌نامه شماره 90

سرور صاحبی

سمینار زنان همواره فرصتی است که پاره‌ای از زنان گردهم آیند و در باره‌ی آنچه که در دور و ور ما در جهان رخ می‌دهد به گفت و گو نشسته و تبادل نظر کنند.

در دوران کنونی ما از یک سو شاهد دیوانسالاری - امنیتی» با توانی بالا، که به ویژه در کشورهای به اصطلاح آزاد در حرکت است، هستیم؛ از مسافران و محتوای بار آنها رادیوگرافی می‌شود، داده‌های بیو متریک انباشته می‌شود، تلفن‌های همراه مورد کنترل قرار می‌گیرد و شماره تلفن‌های بسیاری آرشیو می‌شود، آثار انگشت به صورت الکترونیک ضبط می‌گردد و پرونده‌های کامپیوتری عظیم اداری با پرونده‌های مربوط به شرکت‌های خصوصی مقابله می‌گردد.

و از سوی دیگر شاهد جنگ و نظامی‌گری در کشورهای آسیا و آفریقا هستیم. جنگ‌هایی که به سبب آرایش جدید قدرت در صحنه‌ی جهانی و دور بودن از کشورهای غرب مفهوم جهانی پیدا نکرده در صورتی که جنگ جهانی است اما به شیوه‌ای نوین. همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد چه گونه سامانه‌ی «قدیمی» تغییر پیدا کرده است. و هم آن گونه که می‌دانید

زنان و کودکان قربانیان اصلی این جنگها و خشونتها هستند. از این رو برگزارکننده‌کان سمینار با توجه به خواست شرکت‌کننده‌گان در سمینار ۲۰۱۷ تلاش کردند که درون‌مایه‌ی «اشکال مبارزه زنان با سکسیسم، راسیسم و بنیادگرایی» را انتخاب کنند.

سمینار امسال آمیزه‌ای بود از یک پرفورمنس، سه سخنرانی، گروه‌های کاری، موزیک و پیشنهادات و انتقادات.

در گاه‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۹ سخن‌رانی‌ها در سمینار منتشر شد و شما با درون‌مایه‌ی سمینار آشنا شدید. این گزارش جمع‌بندی کوتاهی است و تنها روی پاره‌ای از نکات تمرکز بیشتری کرده است.

روز جمعه ۹ فوریه ۲۰۱۸، ساعت ۹ صبح روزی نسبتن سرد با تابش آفتابی لاجون پاره‌ای از زنان همایش در خوابگاه جوانان هانوفر (Jugendherberge) بنا بر قرار پیشین گرد آمده بودند که سالن و فضا را برای برگزاری سمینار و استقبال از شرکت‌کننده‌گان آماده کنند. گرچه بسیاری از کارهای تدارکاتی از سال گذشته تدارک دیده شده بود. اما تزیین سالن، کارهای تکنیکی، چیدن صندلی‌ها و... می‌بایستی انجام می‌شد.

از حدود ساعت دو به بعد کم‌کم شرکت‌کننده‌گان از شهرهای دیگر آلمان به خوابگاه جوانان وارد شده پس از احوال‌پرسی و گفت و گوهای کوتاه به سوی میز نام‌نویسی و گرفتن کلید اتاق‌ها روان می‌شدند.

پس از صرف شام در ساعت ۱۹ برنامه سمینار با خوش‌آمد گویی گروه برگزارکننده، به گونه‌ی پرفورمنس (اجرای نمایشی) آغاز شد. طاهره، منیژه و سرور اجراکننده‌گان این پرفورمنس بودند. آنها ابتدا از میان جمعیت برخاسته و با گفتن:

آغازی برای سلام

پروازی در شهر زنان

فریادی در ژرفای هستی...

گزارشی بسیار کوتاه از درون‌مایه‌ی سمینارهایی که در این سالها در رابطه با نظام‌گری و بنیادگرایی مطرح شده بود، ارائه دادند و با شعار «نه به نظام‌گری نه به جنگ» اجرای خود را به پایان رساندند. در ادامه فری و سهیلا روند برنامه‌ها و نکاتی که می‌بایستی رعایت شود را به اطلاع شرکت‌کننده‌گان رساندند.

آن‌گاه نوبت به سخنرانی منیره کاظمی با نام «هویت، (تحمیل یا انتخاب؟) دخالت‌گری زنان مهاجر در مبارزه علیه سکسیسم، راسیسم و بنیادگرایی» رسید.

ابتدا او با کمک پاورپوینت تصاویری را نشان داد و مطرح کرد که جامعه‌های میزبان پناهنده‌گان تلاش می‌کنند که از طریق ارتباط جمعی، روزنامه، تلویزیون و... هویت مشخصی را از زنان پناهنده نشان دهند که آن تصویر اسلامی است. اکثراً با روسری و مقعنه آن‌ها را نشان داده و یا برای مصاحبه یا رپرتاژ از آن‌ها دعوت می‌کنند. و با هر نقدی در باره‌ی جای‌گاه زن در جامعه‌های اسلامی مخالف هستند. این بخش از بحث او به گونه‌ای هشدار دهنده بود. و موضوع مهمی را طرح کرده بود. اما در ادامه نمونه‌ای از دخالت‌گری زنان مهاجر مطرح نکرد. و آیا اصلن تمرکز روی مذهب برای تعیین هویت و تفاوت زنان راه کاری نتیجه بخش برای رهایی است.

- مفهوم هویت و قتل‌های ناموسی

- سیستم هویت (مسلمان)

- مشخصه‌های سیستم هویت مسلمان مهاجر

- چرخ دنده‌های نیروی محرکه و حفظ این سیستم، حرمت، غیرت، ناموس، هژمونی مردانه، بکارت و حجاب.

مسایلی را مطرح کرد.

در باره مفهوم هویت تعریف مشخصی را نداد تنها تعریفی از فرهنگ معین را بیان کرد که گفته: «شخصیت، ذات و حقیقت» که بسیار کلی است و در زبان انگلیسی هم به بخش هم‌سان آن توجه کرده بود در صورتی که هویت متضمن دو معنای اصلی است. نخست بیان کننده‌ی مفهوم تشابه مطلق است؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم -تمایز اشاره دارد که به مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین هویت به طور هم زمان دو نسبت محتمل را میان افراد یا اشیا برقرار می‌کند؛ از یک سو شباهت و از طرف دیگر تفاوت.

و سپس تمرکز بحث خود را روی هویت مسلمان گذاشت در صورتی که در ابتدای بحث به گونه‌ای به هویتی که تنها زن مسلمان را می‌بیند نقد داشت و بر این باور بود که جامعه‌های میزبان تنها این زنان را به سان زنان پناهنده معرفی می‌کنند. در پایان بحث خود زنان مهاجر را

از نظر اقتصادی و درآمد یکی از محروم‌ترین قشرهای جوامع غربی می‌دانست که این امر باعث محدود شدن کنشگری اجتماعی آنان شده است. و هشدار داد که باید هشیار بود که دوباره چرخه‌ی هژمونی مردانه و سیستم هویت باز تولید نشود. اما چه‌گونه؟ تنها با دستورالعمل که نمی‌شود چیزی را تغییر داد.

اما در باره این که چه کسانی و چه گونه این کار باید کرد به طور مشخص صحبت نکرد و یک سری دستورالعمل‌های عام را مطرح کرد. احزاب سیاسی آلمان را نقد کرد اما نگفت چه گروه‌هایی می‌توانند بر علیه این هویت تحمیلی کنشی تاثیرگذار داشته باشند.

برنامه‌ی روز نخست پس از پرسش و پاسخ در ساعت ۲۱ به پایان رسید.

شنبه روز دوم سمینار پرستو فروهر سخنرانی خود را با نام «بازگویی چند تجربه در ارتباط با چالش‌های زنان علیه بنیادگرایی» آغاز کرد.

پرستو در حقیقت با بیان تجربه ملموس خود از ایران و تشکیل جلسه‌ی دادگاه انقلاب برای متهم کردنش، تصویری از این که چه گونه با خانواده‌های جان‌باخته‌گان و زنان برخورد می‌شود را در برابر چشمان ما قرار داد. یعنی بر این مردم چه می‌گذرد. او در روند این بازگویی به پرونده‌ی متهمان قتل پدر و مادرش و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده پرداخت. که در آن علاوه بر این که هیچ نشانی از رسیده‌گی به اعتراف‌های هولناک نیست، بلکه تخلفات قضایی بسیاری در این پرونده‌ها نیز دیده می‌شود. او مطرح کرد که، ما بازمانده‌گان قربانیان و وکلایمان، از زمانی که دادگاه نمایشی را در سال ۱۳۷۹ برپا کردند یعنی ۱۹ سال خواهان دادخواهی هستیم. او علیه حذف و کشتن سخن گفت. حذفی که، تنها در سرکوب و قتل انفاق نمی‌افتد، بلکه در تحمیل سکوت و فراموشی و تحریف تاریخ ادامه می‌یابد. حتا در اثبات اتهام «تبلیغ علیه نظام» دادگاه نوشته است چون پرستو حاکمان را غارت‌گر خوانده است آن هم به خاطر این که اسناد و مدارک پدرش را برداشته و پس نداده‌اند. اما در این مسایل سخنی از مادر پرستو به دلیل زن بودن نشده است. او حذف شده است.

از نگاه پرستو هدف اصلی تشکیل این پرونده خاموش کردن صدای اعتراض و دادخواهی خانواده‌های جان‌باخته‌گان است.

نکته‌ی مهمی دیگری را پرستو در رابطه با یکی از اتهاماتی که به او زده شده نیز مطرح کرد که قابل تامل و اندیشیدنی است. آن هم «توهین به مقدسات» می‌باشد. این اتهام به سبب کاری هنری از پرستو

می‌باشد، مجموعه‌ی هنری به نام «عزاداری» است در این مجموعه پرستو -صندلی و مبل‌هایی را به نمایش گذاشته که روکش‌های آن‌ها از پارچه‌هایی است که در عزاداری استفاده می‌شود.

پرستو می‌گوید مفاهیم برخاسته‌ی تجربه‌ها و زنده‌گی انسان‌ها هستند. برای من توهین به مقدسات آن‌جا رخ داده است که مامور اجرای حکم قتل، به اعتراف خود با ذکر «یا زهرا» ۲۴ ضربه چاقو به تن عزیز مادرم زده است، آن‌جا که به هنگام کشتن پدرم صندلی او را رو به قبله چرخانده‌اند، آن‌جا که وضو گرفته‌اند تا انسان‌های آزاده و شریقی را در خانه‌شان مثله کنند.

با این که حضور در این دادگاه برای او دشوار بوده است. اما خودش می‌گوید:

«اگر نمی‌آمدم این محاکمه کم‌تر حساسیت را بر می‌انگیخت. کم‌تر کسانی درگیر آن می‌شدند و در برابر آن احساس مسولیت می‌کردند... و مهم‌تر -آن‌که دادخواهی ناتمام قتل‌های سیاسی کم‌تر به یادها می‌آمد و انگیزه‌ی حضور و تلاش می‌شد.»

در حقیقت تلاش‌های پرستو شیوه‌ای از مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای دادخواهی است که خود او بر این باور است که به تنهایی این کار را نکرده است بلکه، این ایستاده‌گی از همان ابتدا در بستر اعتراضی انجام شده که یک جمعی آن را به جلو برده با تاریخ اعتراض به سرکوب سیاسی همراه بوده است و در تمام مراحل مختلف هم پشتیبان و همراه داشته است. و آن چیزی که ترس و انزوا را در فرد از بین می‌برد این آگاهی و خودآگاهی به تمام همراهانی است که این خواسته را با من در پیش بردند. و در مدت این ۱۹ سال هم‌چنان با قدرت ادامه داده شده است. در پرسشی که مطرح شد چه گونه می‌شود آن را جمعی کرد؟

پرستو گفت پاسخش یک جمله‌ای نیست و سخت است اما در تلاش پی‌گیرانه‌ای که داریم سعی کند خودش را با بقیه در گفت و گو بگذارد و هی مرز نکشد. وقتی دیگری را زیر سوال می‌برد امکان گفت و گو را باز کند.

در پایان سخنرانی‌اش اعظم بهرامی شعری را از قول پرستو برای مادرش سروده بود که آن را خواند.

من روبروی‌شان ایستاده بودم

آنجا

درست در جایی که

لکه‌های خون تو

در گل‌های قالی فرو رفته بود

درست روبروی چشم‌هایشان

آن مرد کوتاه

آن مرد بلند

آن مردها با چاقوها، با چماق‌ها

آنها که ایستاده بودند

روبروی نور پنجره

اما نور را از گلدان نرگس تو

در پاییز

نتوانستند دزدید

من به مردمک چشم‌هایشان

در اتاق‌های خالی و پر قفسه

در دست‌انداز کلید قفسه‌های پر

نگاه می‌کردم

نگاه می‌کردم

به مردمک‌هایی که تصویر تو

در آنها می‌جوشید

به آنها نگاه می‌کردم

و به مسیل اشک‌هایی

که می‌دیدند

اما آن‌ها هرگز نتوانستند

تصویر تو را

که در چشم‌هایم تکثیر شده بود

بدزدند.

برنامه با سخنرانی مهوش صالحی و فریده رضوی با عنوان «جنگ کسب و کار سودآوری با مرگ» ادامه یافت.

این سخنرانی بسیار گسترده در مورد وضعیت نظامی‌گری و جنگ در دوران کنونی در جهان سخن گفت. گسترده‌گی مطالب امکان دریافت شنونده را کم می‌کرد. اما بررسی جامعی در باره‌ی جنگ در دوران کنونی بود.

ابتدا در باره ساختار سیاسی قدرت در آمریکا و نهادهای جنگ ساز در این کشور سخن گفت. و آماری را ارائه داد از آن جمله که آمریکا -دارای ۴۸۰۰ پایگاه نظامی در سراسر کره زمین دارد و هدف بعدی پایگاه‌های نظامی در فضاست.

و این که در بودجه‌ی سالانه‌ی آمریکا بزرگ‌ترین رقم به وزارت دفاع تعلق دارد با رقمی حول ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار در سال که بالاترین بودجه‌ی نظامی در جهان است.

شبکه MIC یکی از شبکه‌های پیچیده‌ی نظامی صنعتی غیر شفاف است که در این چند دهه در آمریکا ایجاد شده است. که در برگیرنده‌ی پنتاگون، مجلس سنا و مجلس نماینده‌گان، شرکت‌های خصوصی تسلیحاتی، تدارکات ارتش، که تنیده شده با سازمان‌های و نهادهای اجتماعی، سازمان‌های امنیت مخفی، اتاق فکرها، رسانه‌ها، نهادهای مذهبی، دفترهای وکالت و دانشگاه‌ها.

این سازمان‌ها در رقابت و حتا گاهی در تقابل با یکدیگر عمل می‌کنند.

اما توجه به نکات مطرح شده در این سخنرانی سبب می‌شود که ما زنان -آگاهانه تر به دنیای امروز بنگریم و به دنبال ساز و کارهای دقیق تری در رابطه با مبارزه با جنگ و خشونت باشیم. و متوجه باشیم با اندیشه‌ی برابری نمی‌توانیم دنیایی رها از جنگ و خونریزی برسیم.

با این که این سخنرانی در گاه‌نامه‌ی شماره‌ی ۸۹ آمده است اما من

نکاتی را که توجه مرا جلب کرده به گونه‌ای خلاصه جمع بندی می‌کنم.

- تغییر آرایش قدرت در صحنه جهانی، تکنولوژی مدرن و جهانی شدن سبب ایجاد تغییرهای اساسی در انگیزه‌های جنگ و شیوه‌های پیش برد جنگ شده است. سبب شده جنگ و کشتار در جامعه به خصوص غرب به امر دور و انتزاعی تبدیل بشود و ما دیگر با اعتراضات گسترده بر علیه جنگ به سان جنگ ویتنام و الجزیره روبه‌رو نیستیم.

- امروزه یکی از شاخص‌ترین انگیزه‌های جنگ‌آفرینی و ایجاد ناامنی و تنش، سود کلانی است که شرکت‌های نظامی، نفتی، تدارکات ارتش، بازسازی و مانند آنها نصیبشان می‌شود.

- ابتدا به سبب پیدایش و رشد اقتصاد نئو لیبرال از اوایل دهه‌ی هشتاد و دوم به علت رفرم‌های اقتصادی در چین و لیبرالیزه کردن اقتصاد و تجارت رشد اقتصاد بزرگ جهانی با ترکیبی از سرمایه‌داری دولتی و خصوصی پدید آمد. و سومین جریان فروپاشی شوروی و اقمار آن و خصوصی‌سازی مهارگسیخته‌ای که الیگارش‌های مالی و اقتصادی و نظامی را در روسیه و اقمار آن بر سر قدرت آورد.

- این سه جریان عمده سبب چند قطبی شدن قدرت جهانی، تجاری شدن همه‌ی عرصه‌ها از جمله ارتش و رقابت اقتصادی و همین‌طور مسابقه‌ی نظامی عول‌آسایی گردیده که تخریب غیر قابل بازگشت محیط زیست را به همراه آورده است. رقابتی که بزرگ‌ترین چالش انسان در قرن بیست و یکم خواهد بود.

- سرریز کردن بودجه‌های کلان میلیاردری به وسیله‌ی تمام دولت‌ها به سمت تسلیحات نظامی، زنده‌گی میلیاردها انسان را چه در کشورهای صاحب تسلیحات و چه در کشورهای مشتری تسلیحات، در معرض بی‌کاری، فقر، بیماری، مرگ، بی‌خانمانی، فرار و مهاجرت قرار داده‌است.

- گره خورده‌گی تسلیحات با سوخت‌های فسیلی. انرژی حاصل از سوخت فسیلی عنصر حیاتی و پایه‌ی صنایع مدرن هست. کنترل و سلطه بر این بخش کنترل شاه‌رگ حیاتی اقتصاد دنیا و سلطه‌ی سیاسی است.

- تجارت مواد مخدر از بازارهای پرسود برای تهیه‌ی ارز، برای خریدن تسلیحات به خصوص توسط شورشی‌ها و گروه‌های فرانظامی دولتی و غیر دولتی.

- جنگ‌های انتزاعی و دور از بارزترین ویژه‌گی‌های جنگ برای کشورهای

سودبر انتزاعی و دور کردن جنگ از منظر عمومی و انتقال بار فیزیکی، روانی و عاطفی جنگ به بیرون از جامعه خودی است. این سیاست انتقال فاحش قربانیان جنگ از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر و از طبقه فرادست به طبقه فرودست از مردان، زنان و کودکان می‌باشد.

– یک روش برای کاهش تلفات خودی استفاده از تکنولوژی‌های مدرن و بمباران از هوا و انهدام گسترده است. این تکنولوژی نه تنها کشتارهای وسیع را ممکن می‌کند بلکه سبب تخریب و با خاک یکسان کردن -مناطق مورد حمله و از کار انداختن تمام ساختارهای زیستی مثل شبکه های راه، برق و تلفن و تأمین خوراک و سوخت می‌شوند.

– تجاری کردن ارتش، در تمام کشورهایی که از تکنولوژی جنگی بالایی برخوردارند به تدریج سربازی اجباری لغو و سربازی داوطلبانه یعنی مزدبگیر جای آن را گرفته است. از جمله، آمریکا، فرانسه و آلمان. این تغییر هم‌نطور طبقاتی کردن رادیکال خدمت نظام است.

– چشم‌گیرترین تغییر که در ارتش و جنگ در قرن بیستم واگذار کردن عملیات جنگی به شرکت‌های خصوصی و پیمان‌کاران جنگی به اسم PMC که نقش بزرگی در عملیات جنگی و طولانی شدن جنگ دارند. در جنگ‌های عراق و افغانستان ما شاهد این نوع شرکت‌ها بودیم.

– تأمین صلح خود بازار سودآوری برای شرکت‌های تسلیحاتی و اقمار آن است. شورای امنیت سازمان ملل در واقع آژانس نماینده‌گی پنج کشور دارای حق وتو هست که ۸۵٪ از صدور اسلحه را دارند. نیروهای محافظ صلح سازمان ملل متحد نیز صاحب ارتش، تسلیحات و مهمات و مشتری صنعت تسلیحات هستند.

– برای حفظ مرزها و محدود کردن فرار و مهاجرت از مناطق جنگی و نابسامان مقادیر زیادی از ابزارهای تکنولوژیک از همان شرکت‌های تولید سلاح برای حفظ مرزها خریداری می‌شود.

– و از سوی دیگر تمرکز فمینیسم لیبرال در آمریکا غالب روی برابری با مردان و مشارکت سیاسی و حضور زنان در قدرت و حوزه‌های اجتماعی بوده است. و در حقیقت بخش ضد جنگ جنبش زنان در سایه فمینیسم لیبرال رنگ باخته است. سهم رو به افزایش سربازان زن از طبقات پایین لاتینی و سیاه پوست در ارتش آمریکا باعث موضع‌گیری محتاتانه فمینیست‌ها نسبت به مشارکت زنان در جنگ شده است.

پس از پایان سخنرانی بخش پرسش و پاسخ به گروه کاری منتقل شد. و آن‌گاه پس از ناهار گروهی از زنان در تظاهراتی که به مناسبت جنبش -اعتراضی در ایران در مقابل بان‌هوف هانوفر و از سوی «کانون کنش گران و دمکرات و سوسیالیست» هانوفر برگزار می‌شد شرکت کردند و در ساعت ۱۵ گروه‌های کاری تشکیل شد. در کنار گروه‌های کاری، شادی امین هم گروهی کاری را برگزار کرد در رابطه با دادگاه رسیده‌گی به شکایتش از فرد متهم به ایجاد وب سایت تخریب و افترا.

موزیک برنامه بعدی بود که در ساعت ۲۰ با نوای کمانچه یوهانا اودرت و ضرب صدیقه اصغری آغاز شد. آهنگهایی که نواخته شد از -ترانه‌های مشهور ایرانی بود و شرکت کنندگان هم با نوازنده‌گان هم نوا شدند.

پس از موزیک جشن زنان تا پاسی از شب ادامه داشت.

روز یکشنبه پس از صرف صبحانه در ساعت نه و پانزده دقیقه سخنرانی زهرا (سور) اسرافیل با نام «تن و بنیادگرایی در شعر زنان افغانستان» آغاز شد. او خود شاعر است و کتاب شعری را با نام «اسرافیل در بند» منتشر کرده است

سور ما را با شعر زنان افغانی آشنا کرد. درون مایه سخنرانی‌اش نقد و پژوهشی بود در باره شعرای زن افغانی از گذشته تا حال. در حقیقت او افقی را باز کرد که برخلاف تصویری بود که در رسانه از زنان افغان داده می‌شد. تصویری که اکثراً آنها را به گونه‌ی قربانی ارایه می‌دهند.

او بر این باور بود که در افغانستان در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی همواره مردمان بر اریکه‌ی قدرت سوار بودند و ادبیات هم از این امر مستثنا نبود. و در تاریخ ادبیات، چه داستان نویسی و چه شعر تنها نام مردان به‌جا مانده است.

گرچه اثری از شاعران زن به نام رابعه بلخی و مخفی بدخشی هم هستی داشته اما به دلیل تاثیرپذیری از شاعران مرد کم‌تر هویت جنسیتی‌شان در آثارشان بازتاب داشته است. تنها در پاره‌ای از آثار عاشقانه می توان اثری از جنسیت زنان دید. به گونه مثال:

الا مادر به دستم سات کردی مرا از خورده‌گی نامزاد کردی

مرا از خورده‌گی نامزاد قومی امیدهای مرا بر باد کردی

از دوران امان‌اله خان سخن گفت که در این دوران فعالیت‌های اجتماعی زنان قانونی شد و نخستین نشریه‌ی زنان با نام ارشاد نسوان انتشار یافت. و در ادامه از دوره‌ی مشروطه در دهه‌ی ۴۰ در افغانستان سخن گفت و شاعران زنی که در این دوران آثاری از خود به جای گذاشته‌اند به سان بهاره سعید، راحله یار، لیلا صراحت روشنی و... تنها در اشعار به جا مانده از لیلا صراحت روشنی می‌توان زبانه‌گی را به وضوح دید.

او نقش مهاجرت را در شعر زنان افغانی مهم و موثر می‌داند که با تلاشی پیگیر توانسته‌اند دیدگاه زنانه را وارد شعر امروز افغانستان کنند. به گونه‌ای که در نقدهایی که در باره‌ی شعر صورت می‌گیرد دیدگاه جنسیتی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد.

سور بر این باور است که عصیان‌گری یکی از شاخصه‌های اصلی شعر زنانه در دهه‌های اخیر در افغانستان است. که نه تنها به ایدئولوژی مرد سالارانه انتقاد می‌کنند بلکه سعی می‌کنند که تابوهای جنسی را بشکنند و از تنانه‌گی سخن بگویند. او می‌گوید تن بیش از آن‌که دارای مفهوم اخلاقی باشد پدیده‌ای سیاسی است.

او نگاهی به مجموعه‌ی شعر «پله‌های گناه‌آلود» از کریمه شبرنگ می‌کند.

پیکرم مرموزترین کتیبه جهان است

اما تو باستان‌شناسی که تازه ورقم زدی

در شعر شبرنگ عصیان، اعتراض و دردمندی است.

او در شعری از خودش به گونه‌ای مرزها را می‌شکند:

«بیا عریان شویم/ شکوه‌مان را به تماشا بگیریم/ کار هر کسی نیست/
با «رسوایی» هم آغوش شدن/ اصلن بیا خودمان باشیم. (اسرافیل در بند، ص. ۱۱۱)

تنها نکته‌ای می‌خواستم بیان کنم این است که سور در حایب مرد سالاری را به سان ایدئولوژی نام می‌برد در صورتی که مرد سالاری یک نظام -است. با این حال به زهرا دست مریزاد می‌گویم و به خواننده‌گان گاه نامه پیشنهاد می‌کنم اگر مقاله‌ی او را در گاه‌نامه ۸۹ خوانده‌اند، بخوانند.

پس از پرسش و پاسخ نوبت به پیشنهادها و انتقادها رسید. یکی از پیشنهادها این بود که بهتر است در سمینارهای زمانی را بگذاریم

برای موضوعات روز که به شکل گروه کاری باشد یا به صورت دیگر که ما بتوانیم در باره‌ی آن موضوع بحث و تبادل نظر کنیم و تصمیمی برای کار عملی بگیریم.

زنان برلین هم برگزاری سمینار سال آینده را به عهده گرفتند. در لحظه‌های پایانی خبر «خودکشی»! یا کشته شدن فعال محیط زیست که در زندان بود، به گوشمان رسید و بسیاری با غم و اندوه از هم جدا شده و به سوی شهرهایشان روان شدند.